

Research paper

National Culture Dimensions and World Bank Governance Indicators



Mohsen Dahmardeh Ghaleno¹ , *Hamid Zarei²

1. MSc. in Accounting, Instructor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Higher Education Complex, Saravan, Iran.
2. MSc. in Accounting, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation Dahmardeh Ghaleno, M., & Zarei, H. (2018). National Culture Dimensions and World Bank Governance Indicators. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 6(3), 346-375. <http://dx.doi.org/10.32598/JMSP.6.3.346>

<http://dx.doi.org/10.32598/JMSP.6.3.346>



Funding: See Page 372

Received: 07 Mar 2018

Accepted: 15 Apr 2018

Available Online: 23 Sep 2018

Key words:

Hofstede National Culture Dimensions, World Bank Governance Indicators, Kaufmann dimensions

ABSTRACT

Various theories of national culture around the world affect legal systems, social norms, economic development, and political communities. In this regard, this paper discusses the impact of national culture dimensions on worldwide governance indicators. This is an applied research with quasi-experimental design and regressive approach. The population of this international study comprised all nations worldwide, thus 74 countries were selected as study sample using non-random sampling method. The paper used six national culture dimensions of Hofstede et al. (2010) as explanatory variables. The institutions composite of six worldwide governance indicators from Kaufmann et al. (2010) in the World Bank were taken into account as the responsive variables of the paper. It is worth knowing that both studies are highly cited papers. Based on the results, power distance has a significant and negative relationship with institutions composite, but individualism, long-term orientation, and indulgence are significantly and positively related to the institutions composite. These findings are discussed subsequently.

JEL Classification: G30, G38, O17, O19, Z19.

* Corresponding Author:

Hamid Zarei, MSc.

Address: Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Tel: +98 (917) 8574107

E-mail: hamidzarei@pgs.usb.ac.ir

ارزیابی ابعاد فرهنگ ملی و شاخص های راهبردی بانک جهانی

محسن دهمرده قلعه نو^۱، *حمید زارعی^۲

- ۱- کارشناس ارشد حسابداری، مربی، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی سراوان، سراوان، ایران.
 ۲- کارشناس ارشد حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۶ اسفند ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲۶ فروردین ۱۳۹۷

تاریخ انتشار: ۰۱ مهر ۱۳۹۷

با توجه به ساختارهای نظری متفاوت ابعاد فرهنگ ملی در سراسر جهان و اثبات تأثیرگذاری فرهنگ بر نظام های قانونی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع، در این پژوهش، تأثیر ابعاد فرهنگ ملی بر شاخص های راهبردی بانک جهانی بررسی و تحلیل می شوند. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی بوده و با روش میدانی در دسته نیمه تجربی با رویکرد همبستگی قرار دارد. جامعه هدف این پژوهش بین المللی همه کشورهای جهان هستند که با روش نمونه گیری غیر تصادفی هدفمند، ۷۴ کشور به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش، از شاخص شاخص فرهنگ ملی پژوهش پرستند هافستد و همکاران (۲۰۱۰) به عنوان متغیرهای توضیحی استفاده شده است. مجموع شاخص راهبردی بانک جهانی نیز به عنوان متغیر وابسته از پژوهش پرستند کوفمن و همکاران (۲۰۱۰) در بانک جهانی برگرفته شده است. نتایج پژوهش، حاکی از تأثیر منفی شاخص فاصله قدرت بر جمع شاخص های راهبردی بانک جهانی و تأثیر مثبت شاخص های فردگرایی، افق دید بلندمدت و افراط گرایی بر این شاخص است.

طبقه بندی JEL: G30, G38, O17, O19, Z19

کلیدواژه ها:

ابعاد فرهنگ ملی
 هافستد، شاخص های
 راهبردی بانک جهانی،
 شاخص کوفمن

* نویسنده مسئول:

حمید زارعی

نشانی: زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، گروه حسابداری.

تلفن: ۰۷-۸۵۷۴۱۰۷ (۹۱۷) ۹۸+

پست الکترونیکی: hamidzareei@pgs.usb.ac.ir

www.SID.ir

مقدمه

پژوهش حاضر تبیین‌کننده نقش و تأثیر شاخص‌های فرهنگ ملی^۱ بر شاخص‌های راهبردی بانک جهانی^۲ در ۷۴ کشور جهان است. برخی پژوهشگران همچون موریس و سورج^۳ (۲۰۰۰) شاخص‌های راهبردی را بدون توجه به فرهنگ ارزیابی کرده‌اند. برخی دیگر از پژوهشگران، مفاهیم فرهنگی را برابر با همان شاخص‌های راهبردی دانسته‌اند؛ مثلاً، وایتلی^۴ (۱۹۹۲) فردگرایی و فاصله قدرت را به‌عنوان شاخص‌های راهبردی در نظر گرفت. برخی دیگر از پژوهشگران نیز تأثیر فرهنگ را در قالب «مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا باورها» بر شاخص‌های راهبردی مدنظر قرار داده‌اند (آمابل، ۲۰۰۳؛ آوکی، ۲۰۰۱)، اما تاکنون مطالعات اندکی در زمینه ارزیابی تأثیر شش شاخص فرهنگ ملی پراستناد هافستد^۵ و همکاران (۲۰۱۰) بر مجموع شش شاخص راهبردی کوفمن^۶ و همکاران (۲۰۱۰) در بانک جهانی انجام شده است، ضمن اینکه در بیشتر این مطالعات، جمهوری اسلامی ایران بررسی نشده است؛ بنابراین، بی‌توجهی به پژوهش‌های داخلی یا خارجی به این موضوع، موجب شد پژوهش حاضر به دنبال تبیین نقش و تأثیر شاخص‌های فرهنگ ملی هافستد و همکاران بر شاخص‌های راهبردی بانک جهانی (محیط‌های نهادی) در ۷۴ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران باشد. استفاده از نتایج پژوهش، می‌تواند به اصلاح شش شاخص راهبردی مدنظر پژوهش و بخش‌های کنترلی مرتبط با عوامل فرهنگی به‌منظور پیاده‌سازی و اجرای سیاست‌های راهبردی مؤثر، کمک کند.

مطالعه حاضر ابتدا چارچوب نظری و پیشینه پژوهش را بررسی می‌کند و پس از فرضیه‌سازی، فرضیه‌های تأثیر شاخص‌های فرهنگ ملی بر شاخص‌های راهبردی مطرح می‌شود؛ سپس روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود. بخش بعد نشان‌دهنده یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل آن‌هاست. در نهایت، نتیجه‌گیری پایانی و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۱- ادبیات موضوع

احمدیان و اسلامی (۲۰۱۴) فرهنگ را مجموعه باورها، اعتقادات و آگاهی‌های فردی و جمعی می‌دانند که به‌طور خودآگاه و ناخودآگاه کنش را شکل می‌دهد. هافستد (۲۰۱۱) معتقد است فرهنگ ارائه‌دهنده ارزش‌های مشترک، ویژگی‌ها، اعتقادات و رفتارهای بعضاً خاص، در گروهی از افراد است. هافستد (۱۹۸۴) فرهنگ را برنامه‌ریزی آگاهانه ذهن می‌داند که تفکیک‌کننده جوامع انسانی از یکدیگر است. هافستد همچنین بیان می‌کند که این برنامه‌ریزی جمعی و آگاهانه نه‌فقط تفکیک‌کننده جوامع گوناگون انسانی از یکدیگر است، بلکه نشان‌دهنده محیط‌های نهادی^۷ (راهبردی) متفاوت در سراسر جهان است. هافستد (۲۰۰۳) بیان

1. National culture dimensions
2. Worldwide Governance Indicators_WGI (Institutions)
3. Maurice and Sorge
4. Whitley
5. Hofstede
6. Kaufmann
7. Institutional Environments

می‌کند که هنجارهای اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های آگاهانه مردم جامعه باعث تأثیر فرهنگ بر محیط‌های نهادی (راهبردی) می‌شود، زیرا فرهنگ بر اشخاص جامعه نفوذ دارد و این، اشخاص هستند که محیط‌های نهادی (راهبردی) را شکل می‌دهند. تاکنون رابطه میان فرهنگ و شاخص‌های راهبردی را پژوهشگران بسیاری نظیر تابلینی^۸ (۲۰۱۰)، توبادجی^۹ (۲۰۱۳)، آلسینا و جولیانو^{۱۰} (۲۰۱۵)، گوردونینکو و رونالد^{۱۱} (۲۰۱۷؛ ۲۰۱۷) بررسی کرده‌اند؛ بنابراین، درباره تأثیر فرهنگ بر شاخص‌های راهبردی پشتوانه نظری بسیاری وجود دارد. پژوهش‌های گوناگون نشان می‌دهند که توسعه و تکامل شاخص‌های راهبردی تحت تأثیر عوامل محیطی مختلفی قرار دارد که یکی از مهم‌ترین این عوامل، فرهنگ است (دنیل، سیزلویچ و پورجاللی، ۲۰۱۲؛ سیزلویچ، ۲۰۱۴؛ گوردونینکو و رونالد، ۲۰۱۷).

فرهنگ، برنامه‌ریزی فکری جمعی در ذهن بشریت است که اعضای یک گروه را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌کند. این برنامه‌ریزی بر الگوهای فکری مؤثر و منعکس‌کننده این واقعیت است که افراد مدنظر به دنبال دستیابی به ابعاد مختلف زندگی هستند و این موضوع در نهادهای جامعه متبلور می‌شود (هافستد، هافستد و مینکوو، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، فرهنگ می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل محیطی، توضیح‌دهنده تفاوت توسعه شاخص‌های راهبردی در کشورهای مختلف باشد؛ از این‌رو، به‌طور کلی با توجه به تأثیر فراگیری که فرهنگ بر اشخاص جامعه دارد (هافستد، ۱۹۸۴؛ مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ نیسبت، ۲۰۰۴؛ هوس، هانگز، جاویدان، درفمن و گاپتا، ۲۰۰۴؛ پیترسون و وود، ۲۰۰۸؛ اسمیت، آلیک، مک‌کری و بنت‌مارتینز، ۲۰۰۸)، می‌توان گفت مردم تحت تأثیر فرهنگ هستند، در شرایطی که همین مردم شاخص‌های راهبردی را عملیاتی می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت فرهنگ ملی بر نحوه شکل‌گیری شاخص‌های راهبردی مؤثر بوده و مسیر توسعه آن‌ها را هدایت می‌کند (دنیل و همکاران، ۲۰۱۲).

هافستد (۱۹۸۴) این موضوع را مدنظر قرار داده و مبانی نظری آن را ارائه داد. او گفت: «فرهنگ مسیر توسعه و تکامل شاخص‌های راهبردی را فراهم می‌کند». گری^{۱۲} (۱۹۸۸) و پیرا، کامینگ و چوآ^{۱۳} (۲۰۱۲) نیز این نظریه را مطرح کردند که ارزش‌های اجتماعی (فرهنگی) بر شاخص‌های راهبردی مؤثر هستند. گیلن^{۱۴} (۲۰۰۱) نیز بر نقش فرهنگ در شاخص‌های راهبردی تأکید کرده است. نورث^{۱۵} (۱۹۹۰) از پیشگامان بررسی این موضوع به‌صورت جزئی است و تأثیر فرهنگ بر شاخص‌های راهبردی را بررسی کرده است. او فرهنگ را به نقل از بوید و ریچرسون^{۱۶} (۱۹۸۲) این‌گونه تعریف می‌کند: «انتقال آموزش و تقلید، دانش، ارزش‌ها و دیگر عواملی که بر رفتار تأثیر می‌گذارد، از نسلی به نسل دیگر». بر مبنای نظریه نورث (۱۹۹۰)، فرهنگ در بلندمدت

8. Tabellini
9. Tubadji
10. Alesina and Giuliano
11. Gorodnichenko and Roland
12. Gray
13. Perera, Cummings, & Chua
14. Guillen
15. North
16. Boyd and Richerson

بر شاخص‌های راهبردی مؤثر است. او می‌گوید: «فرهنگ نوعی استمرار را ایجاد می‌کند که روشی غیررسمی برای مبادله مشکلات از گذشته به حال است و این محدودیت‌های غیررسمی از مهم‌ترین منابع تداوم تغییرات اجتماعی به‌صورت بلندمدت هستند.»

نورث (۱۹۹۱) همچنین شاخص‌های راهبردی را این‌گونه تعریف می‌کند: «طراحی محدودیت‌های انسانی برای ساختاربندهی سیاست، اقتصاد و تعاملات اجتماعی.» **ویلیامسون^{۱۷} (۱۹۹۳)** نیز شاخص‌های راهبردی را بنیان‌های سیاسی، اجتماعی و قانونی می‌داند که اساس فعالیت‌های اقتصادی را ایجاد می‌کند. **نورث (۱۹۹۰)** عقیده دارد هنگامی که از شاخص‌های راهبردی صحبت می‌کنیم، تمرکز صرفاً بر اشخاص یا دولت نیست، بلکه خط‌مشی دولت، قراردادهای و نحوه اجرای آن‌ها نیز مدنظر هستند. پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند میان ابعاد مختلف فرهنگ و شاخص‌های راهبردی رابطه وجود دارد. **استولز و ویلیامسون^{۱۸} (۲۰۰۳)** با استفاده از مذهب به‌عنوان یکی از ابعاد فرهنگی، شواهدی ارائه دادند که حاکی از تأثیر مذهب بر حقوق اجتماعی به‌عنوان یکی از شاخص‌های راهبردی بود. **لیکت^{۱۹} و همکاران (۲۰۰۷)** نشان دادند ویژگی‌های شاخص‌های راهبردی مرتبط با قانون، فساد و مسئولیت پاسخ‌گویی با ابعاد فرهنگی در ارتباط هستند.

با توجه به اینکه به‌طور نسبی فرهنگ ملی بیشتر در برابر تغییرات مقاومت نشان می‌دهد تا شاخص‌های راهبردی (**دنیل و همکاران، ۲۰۱۲**)، توجه به محیط فرهنگی خاص کشور، یکی از الزامات توسعه شاخص‌های راهبردی خواهد بود. بی‌توجهی به نقش احتمالی شاخص‌های فرهنگ ملی در پیش‌برد شاخص‌های راهبردی می‌تواند به پس‌رفت این شاخص‌ها منجر شود. این پژوهش به‌نوبه خود می‌تواند بر مسئولیت‌پذیری، ثبات سیاسی، تأثیرگذاری دولت، کیفیت نظارت، حاکمیت قانون و کنترل فساد در سطح کشور مؤثر باشد. البته به نظر می‌رسد هم‌اکنون در نظام جمهوری اسلامی ایران، با توجه به امتیاز منفی در شش شاخص راهبردی بانک جهانی، تأثیر عوامل مختلف بر این شاخص‌ها از جمله فرهنگ در نظر گرفته نمی‌شود؛ بنابراین، این مسئله مطرح است که آیا شاخص‌های فرهنگ ملی بر توسعه شاخص‌های راهبردی تأثیرگذار است؟ آیا بهبود فرهنگ ملی می‌تواند سبب ارتقای عملکرد مسئولان از جمله دولت در زمینه کارآمدی مسئولیت پاسخ‌گویی و عملکرد دولت، بهبود روابط سیاسی، افزایش تأثیرگذاری قانون و جلوگیری از فساد شود؟

۱-۱- اعتبار و تعریف شاخص‌های فرهنگ ملی

در این پژوهش از شش شاخص فرهنگ ملی به‌عنوان متغیرهای توضیحی استفاده شده است. چهار شاخص فرهنگ ملی مربوط به پژوهش **هافستد (۱۹۸۳)** است؛ شاخص پنجم در سال ۱۹۸۷ و طی پژوهشی در شرق دور توسط مایکل بوند کانادایی با همکاری هافستد به شاخص‌های فرهنگی پیشین اضافه شد (**هافستد و بوند، ۱۹۸۸**). سپس این پنج شاخص در پژوهش پراستناد هافستد در سال ۲۰۰۳ به تفکیک ارائه و قابلیت مقایسه

17. Williamson
18. Stulz and Williamson
19. Licht

آن‌ها برای کشورهای سراسر جهان فراهم شد. محققى بلغارستانی به نام مایکل مینکوو^{۲۰} شاخص ششم را طی پژوهشی شناسایی کرد و در نهایت، در سال ۲۰۱۰ با همکاری هافستد این مورد نیز به ابعاد پیشین اضافه شد (هافستد و همکاران، ۲۰۱۰). از جمله دلایل اصلی برای انتخاب این شاخص‌های فرهنگی عبارت هستند از: ۱. رایج بودن و پر استناد بودن این شاخص‌ها در پژوهش‌های فرهنگی در سطح بین‌المللی، ۲. این شاخص‌های فرهنگ ملی برگرفته از پژوهش اولیه هافستد به‌عنوان پژوهشگری پیشگام و پر استناد در حوزه پژوهش‌های فرهنگی است که طی زمان و پس از همکاری با سایر پژوهشگران، این شاخص‌ها نیز توسعه یافته‌اند. در ادامه، این شش شاخص فرهنگ ملی و تعاریف آن‌ها با استفاده از پژوهش‌های هافستد (۱۹۸۳)، هافستد و بوند^{۲۱} (۱۹۸۸) و هافستد و همکاران (۲۰۱۰) ارائه شده‌اند.

۱-۱-۱- فاصله قدرت^{۲۲} / کم / زیاد

این شاخص بیان می‌کند که اعضای قدرتمند سازمان‌ها و مؤسسات انتظار دارند قدرت به‌طور نامساوی توزیع شده باشد. بنابراین، توزیع قدرت در جامعه، نابرابر است. شاخص قدرت حدی است که در آن، اعضای با قدرت کمتر جامعه نابرابری در توزیع قدرت را می‌پذیرند؛ در فرهنگ‌هایی که شاخص قدرت آن‌ها بالاست، قدرت یک عامل اجتماعی اساسی است که در آن به اجبار رهبری تجویز شده سازمان‌ها به مردم القا شده است.

۱-۱-۲- فردگرایی / جمع‌گرایی^{۲۳}

فردگرایی یکی از بخش‌های مهم این تسلسل به همراه جمع‌گرایی در مقابل آن است. این شاخص به درجه فردگرایی‌هایی را اندازه‌گیری می‌کند که درون گروه شکل می‌گیرد. از یک طرف در فردگرایی انتظار می‌رود افراد، مستقل و بی‌نیاز از هم باشند و از طرف دیگر در جوامع قوی، به‌هم‌پیوسته و خانواده‌های میسوط، افراد خانواده بر منافع جامعه ترجیح داده می‌شوند. در جوامع فردگرا، مردم بر دریافت حقوق شخصی تأکید می‌کنند و استدلال و منفعت شخصی خویش را در نظر می‌گیرند.

۱-۱-۳- مردانه‌طبعی / زنانه‌طبعی^{۲۴}

این شاخص برحسب تسلسل با ویژگی‌های مردانه‌طبعی در یک‌طرف و خصوصیات زنانه‌طبعی در طرف دیگر سنجش می‌شود و به توزیع نقش‌های جنسیتی در جوامع مربوط است. در این شاخص، ارزش‌های فرهنگی از یک‌طرف در محدوده ایده‌های بسیار مردانه، رقابتی و ادعاکننده و از طرف دیگر، افتادگی و مهربانی قرار می‌گیرند. کشورهایی که امتیاز مردانه‌طبعی بالا دارند، به خوش‌ادعا بودن و شخص‌گرایی تمایل و بر یافته‌های شخصی و موفقیت تمرکز دارند. در سمت دیگر این تسلسل، کشورهایی با امتیاز زنانه‌طبعی بالا تمایل دارند

20. Michael Minkov

21. Bond

22. Power Distance

23. Individualism

24. Masculinity/ Femininity

که بر روابط تأکید کنند، با ضعیف‌ترها مهربان هستند و کیفیت زندگی را به ثروت و تعلقات ترجیح می‌دهند و به دنبال رفاه اجتماعی هستند. امتیاز بالا در این بُعد (مردانه‌طبعی) بیانگر این است که رقابت، دستاورد و موفقیت عناصر مؤثری در جامعه تلقی می‌شوند. بهترین ایده در این زمینه یک نظام ارزشی است که از مدرسه شروع شده و در طول زندگی سازمانی ادامه می‌یابد. امتیاز کم در این بُعد (زنانه‌طبعی) نشان‌دهنده این است که ارزش‌های موجود در جامعه، مراقبت از دیگران و کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی در چنین جوامعی نشانه موفقیت است و مقاومت کردن در برابر جمع، تحسین برانگیز نخواهد بود. موضوع اساسی در اینجا چیزی است که انگیزه مردم را برمی‌انگیزد؛ یعنی، تمایل به بهترین بودن (مردانه‌طبعی) یا انجام آنچه علاقه شخصی است (زنانه‌طبعی).

۱-۱-۴- ابهام‌گریزی کم / زیاد

این شاخص، صبر جامعه را در برخورد با مسائل مبهم بررسی می‌کند، میزان بافرهنگ بودن اعضای آن جامعه را در ارتباط با حقیقت محض ارزیابی و محاسبه می‌کند و توانایی جامعه برای سازگاری با موقعیت‌های غیرساختاری در سطوح بالا (موقعیت‌های جدید و غیرمطمئن) را می‌سنجد. در فرهنگ‌های ابهام‌گریز، به کنترل محیط در قالب قوانین، قواعد و مقررات سخت‌گیرانه و از طریق سنجش‌های ایمنی و امنیتی پرداخته می‌شود. مثلاً، رتبه بالا در این شاخص نشان‌دهنده قوانین، قواعد و مقررات قابل توجه در این کشورهاست و در مقابل، کشورهایی که رتبه پایینی دارند، جوامع باآرامشی هستند که قوانین، مقررات و قواعد کمتری دارند. کشورهایی که رتبه بالایی در این شاخص دارند، قوانین و مقررات را برای گذر از بی‌اعتمادی ترجیح می‌دهند.

۱-۱-۵- افق دید کوتاه‌مدت / بلندمدت

افق دید کوتاه‌مدت نگرشی است که برگزیده و حال تمرکز دارد. در این نگرش، سنت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند، سلسله‌مراتب اجتماعی جاری مهم است، الزامات مربوط به تعهدات اجتماعی رعایت می‌شود و دستیابی سریع به نتیجه مدنظر است. در نقطه مقابل، افق دید بلندمدت نگرشی است که بر آینده تمرکز دارد. در این نگرش، مردم تمایل دارند موفقیت‌های اقتصادی اجتماعی خود را به تأخیر بیندازند تا برای آینده‌ای مطمئن آماده شوند؛ تقوا جایگاه ویژه‌ای دارد؛ ارزیابی خوب و بد به شرایط بستگی دارد؛ اگر «الف» صحیح باشد، مخالف آن یعنی «ب» نیز می‌تواند صحیح باشد؛ عقل سلیم برتری دارد و تفکر ترکیبی مدنظر است.

۱-۱-۶- خویش‌ن‌داری / افراط‌گرایی

نگرش افراط‌گرایی بر میزان شاد بودن مردم جامعه، کنترل زندگی، اوقات فراغت از کار و آزادی تمرکز دارد. در جوامعی که مردم افراط‌گرا هستند، زمان بیشتری برای تفریح سپری می‌کنند، روابط دوستانه بیشتری دارند، احساسات هر شخص بسیار مهم است و نگرش آن‌ها به مسائل زندگی مثبت است. در نقطه مقابل، جوامع خویش‌ن‌دار معرفی می‌شود. در این جوامع، مردم بیشتر بر اساس عقل تصمیم‌گیری می‌کنند، دید آن‌ها به مسائل جامعه و غریبه‌ها منفی است، زمان استراحت اهمیت بسزایی ندارد؛ صرفه‌جویی ارزش محسوب می‌شود و پایبندی به اصول و عهد اهمیت دارد.

۲-۱- اعتبار و تعریف شاخص‌های راهبردی بانک جهانی

در این پژوهش، مجموع شش شاخص راهبردی بانک جهانی در سطح ملی به‌عنوان متغیر وابسته برای کشورهای مورد مطالعه در نظر گرفته شده‌اند. این شش شاخص از پژوهش پراستناد **کوفمن و همکاران (۲۰۰۷)**؛ (۲۰۱۰) که همچنان در حال به‌روزرسانی است، برگرفته شده‌اند. این شش شاخص کلیدی، ترکیبی ساختارمند از نظرات متخصصان سازمان‌های غیرانتفاعی و بین‌المللی، نهادهای ملی، کارشناسان سیاسی اقتصادی و شهروندان در سطح وسیعی از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است (**کوفمن، ۲۰۰۷**). این شش شاخص در پژوهش‌های معتبری نظیر **دنیل و همکاران (۲۰۱۲)** و **سیزلویچ (۲۰۱۴)** استفاده شده‌اند و انتظار می‌رود معیاری مناسب برای سنجش استراتژی‌های راهبردی و حاکمیتی در سطح ملی فراهم کنند. در ادامه، شش شاخص راهبردی بانک جهانی بر اساس پژوهش‌های **کوفمن و همکاران (۲۰۰۷؛ ۲۰۱۰)** ارائه و تعریف شده‌اند.

۱-۲-۱- مسئولیت‌پذیری

این شاخص به میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت، آزادی بیان، آزادی اجتماعی و رسانه مربوط است.

۲-۲-۱- ثبات سیاسی

این شاخص بیان می‌کند که دولت در نتیجه اعمال خلاف قانون اساسی و اعمال خشونت بی‌رویه علیه شهروندان سرنگون خواهد شد.

۳-۲-۱- تأثیرگذاری دولت

این شاخص نشان‌دهنده کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهروندی، میزان تأثیرپذیری دولت از فشارهای سیاسی، نحوه تدوین خط‌مشی عمومی و میزان تعهد دولت به اجرای آن است.

۴-۲-۱- کیفیت نظارت

این شاخص مربوط به تدوین خط‌مشی صحیح و مقرراتی است که موجب توسعه بخش خصوصی می‌شود.

۵-۲-۱- حاکمیت قانون

این شاخص بیان‌کننده میزان اعتماد به قوانین و وفاداری به آن‌ها در سطح جامعه به‌ویژه کیفیت اجرای آن‌ها توسط پلیس، دادگاه‌ها و مراجع مرتبط است.

۶-۲-۱- کنترل فساد

این شاخص مربوط به میزان نفوذ قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی کم یا زیاد در قالب فساد توسط مسئولان و نفع‌برندگان در جامعه است.

با توجه به اینکه انتظار می‌رود فرهنگ بر هر شش شاخص راهبردی بانک جهانی به‌طور کلی تأثیرگذار باشد، در فرضیه‌سازی به پیروی از سیزلویچ (۲۰۱۴) شاخص‌های راهبردی به‌عنوان یک متغیر کلی و وابسته در نظر گرفته شده است و مجموع شش شاخص راهبردی برای هر کشور عملیاتی شده و جمع امتیازها در تجزیه و تحلیل‌ها در نظر گرفته شده است. آزمون‌های آماری مرتبط متعاقباً در ادامه مقاله بحث شده است.

۱-۳- پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر پیشینه داخلی ندارد. برخی پژوهش‌های خارجی مرتبط در راستای عوامل فرهنگی و محیطی تأثیرگذار بر شاخص‌های اجتماعی و راهبردی به ترتیب سال و در ادامه مرتب شده‌اند:

لیکت و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود، ارتباط شاخص‌های فرهنگ ملی پژوهش اسچوارت^{۲۵} (۱۹۹۲) و نهادهای اجتماعی را بررسی کردند. آن‌ها رابطه میان شاخص‌های فرهنگ ملی را با حاکمیت قانون، نبود فساد و مسئولیت‌پذیری جامعه در ۵۳ کشور جهان را سنجیدند و دریافتند که شاخص‌های فرهنگ ملی با سه شاخص پیش‌گفته ارتباط معناداری دارند؛ سپس چارچوب مشخصی را برای درک روابط مناسب بنیان‌های اجتماعی و ارائه خط‌مشی برای انجام اصلاحات اقتصادی ارائه دادند.

تابلینی (۲۰۱۰) شاخص‌هایی نظیر اعتماد، احترام و اطمینان را به‌عنوان ارزش‌های فرهنگی در نظر گرفته است و ارتباط آن‌ها را با میزان سواد و خط‌مشی سیاسی در کشورهای اروپایی بررسی کرد. او دریافت که شاخص‌های پیش‌گفته با هم ارتباط معناداری دارند و ارتقای آن‌ها از پیش‌شرط‌های توسعه اقتصادی سیاسی در کشورهای اروپایی است.

توبادجی (۲۰۱۳) چارچوب مفهومی برای درک نقش فرهنگ بر رشد اقتصادی ارائه داد. او حقوق و سرمایه فیزیکی انسانی را به‌عنوان معیارهای مدل رشد در نظر گرفت و ویژگی‌های مدل‌های رشد را با مؤلفه‌های نهادی مرتبط کرد. توبادجی دریافت که فرهنگ با نفوذ در عوامل نهادی بر سازوکارهای تولیدی تأثیر داشته و موجب رشد می‌شود.

آلسیا و جولیانو (۲۰۱۵) رابطه میان شاخص‌های فرهنگی نظیر اعتماد، فردگرایی، روابط خانوادگی، اخلاق و باورهای شغلی را با شاخص‌های راهبردی قوانین و مقررات اجتماعی، رفاه عمومی و حمایت سیاسی بررسی کردند. آن‌ها دریافتند فرهنگ و حاکمیت رابطه پیچیده‌ای در سطح ملی و تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند.

گوردونینکو و رونالد (۲۰۱۷) این بحث را مطرح کردند که در فرهنگ‌هایی که فردگرایی در آن‌ها بیشتر است، نوآوری و رشد بهتر خواهد بود. آن‌ها با بررسی ژن اشخاص، نمونه خون و پیشینه پاتوزن‌ها^{۲۶}، فردگرایی را کمی‌سازی کردند و شواهدی ارائه دادند که حاکی از رابطه متقابل شاخص فردگرایی در حوزه فرهنگ با شاخص موقعیت اجتماعی در حوزه راهبردی بود.

25. Schwartz
26. Pathogens

۱-۴-۱- تأثیر فرهنگ ملی بر شاخص های راهبردی

با توجه به مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش، انتظار می رود شاخص های فرهنگی بر شاخص های راهبردی تأثیر گذار باشند. از این رو، فرضیه اصلی پژوهش به صورت کلی بر محور تأثیر گذاری شاخص های فرهنگ ملی بر شاخص های راهبردی بانک جهانی تدوین شده است. فرضیه های فرعی پژوهش نیز شاخص های فرهنگ ملی را به تفکیک به عنوان متغیرهای توضیحی و مستقل در نظر گرفته اند و تأثیر آن ها را به طور جهت دار بر مجموع شاخص های راهبردی بررسی می کنند؛ بنابراین، این پژوهش شامل یک فرضیه اصلی و شش فرضیه فرعی است. فرضیه اصلی پژوهش: میان شاخص های فرهنگ ملی و مجموع شاخص های راهبردی بانک جهانی رابطه معناداری وجود دارد.

۱-۴-۱-۱- فاصله قدرت کم / زیاد

با توجه به تعریف فاصله قدرت و تبیین اینکه در یک جامعه با فاصله قدرت بالا، رهبران و مسئولان انتظار دارند، هر آنچه می گویند بلافاصله و بدون هیچ گونه پرسشی اجرا شود، انتظار می رود فاصله قدرت بر مجموع شاخص های راهبردی تأثیر گذار باشد (دنیل و همکاران، ۲۰۱۲). به صورت جزئی انتظار می رود فاصله قدرت زیاد به کنترل کمتر فساد، مسئولیت پاسخ گویی کمتر، کیفیت نظارت کمتر، حاکمیت قانون کمتر، تأثیر گذاری کمتر دولت و ثبات سیاسی کمتر در جامعه منجر شود (سیز لویج، ۲۰۱۴). فرضیه فرعی اول: شاخص فاصله قدرت با مجموع شاخص های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و منفی دارد.

۱-۴-۱-۲- فردگرایی / جمع گرایی

تاکنون پژوهش های بسیاری همچون گریف^{۲۷} (۱۹۹۴)، گوردونینکو و رونالد (۲۰۱۵؛ ۲۰۱۷) بر شاخص فردگرایی / جمع گرایی به عنوان متغیر توضیحی تمرکز کرده و همه این پژوهش ها امتیاز بالا در این شاخص را برای بهبود وضعیت جامعه توصیه کرده اند. هاین^{۲۸} (۲۰۰۸) نیز این شاخص را به عنوان تنها متغیر فرهنگی کلی می داند که تبیین کننده تفاوت های اصلی میان کشورهاست. آلسیا و جولیانو (۲۰۱۵) و گوردونینکو و رونالد (۲۰۱۷) مشترکاً بیان می کنند که فردگرایی زیاد تأثیر مثبتی بر میزان رشد کشورها دارد و موجب افزایش اعتماد مردم به دولت می شود. به صورت دقیق تر انتظار می رود فردگرایی زیاد باعث کنترل بیشتر فساد، مسئولیت پاسخ گویی بیشتر، کیفیت نظارت بیشتر، حاکمیت بیشتر قانون، تأثیر گذاری بیشتر دولت و ثبات سیاسی بیشتر در جامعه شود. فرضیه فرعی دوم: شاخص فردگرایی با مجموع شاخص های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.

۱-۴-۱-۳- مردانه طبعی / زنانه طبعی

با توجه به تعریف مردانه طبعی / زنانه طبعی و تبیین اینکه در کشورهایی که مردانه طبعی زیاد دارند، نتیجه

27. Greif

28. Heine

نهایی مدنظر است (هافستد و همکاران، ۲۰۱۰). از این رو، می‌توان این نظریه را مطرح کرد که اولویت چنین کشورهایی بر مؤثر بودن نظام‌های کنترلی و ایفای نقش نظارتی کارا در سطح جامعه است. همچنین با توجه به اینکه در جوامعی که زناطبعی بالا دارند، به مسئولیت پاسخ‌گویی، کمتر توجه می‌شود (پیفه، زارعی و جعفری، ۲۰۱۷). انتظار می‌رود امتیاز بالا در شاخص مردانه‌طبعی باعث کنترل بیشتر فساد، مسئولیت پاسخ‌گویی بیشتر، کیفیت نظارت بیشتر، حاکمیت بیشتر قانون، تأثیرگذاری بیشتر دولت و ثبات سیاسی بیشتر در جامعه شود. فرضیه فرعی سوم: شاخص مردانه‌طبعی با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.

۱-۴-۴- ابهام‌گریزی کم / زیاد

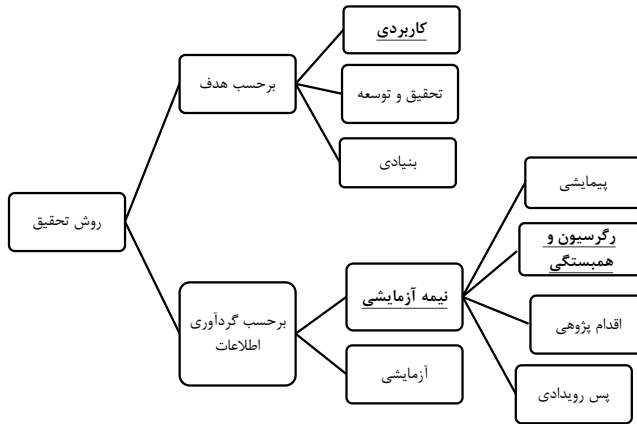
با توجه به تعریف ابهام‌گریزی و تبیین اینکه در فرهنگ‌های ابهام‌گریز، جوامع به اعمال کنترل و نظارت بیشتر در قالب قوانین و مقررات مبادرت می‌ورزند، انتظار می‌رود جوامعی که امتیاز بالایی در این شاخص دارند، محیط را در قالب قوانین سخت‌گیرانه برای گذر از عدم اطمینان کنترل کنند (هافستد و همکاران، ۲۰۱۰). از این رو، انتظار می‌رود امتیاز بالا در شاخص ابهام‌گریزی باعث کنترل بیشتر فساد، مسئولیت پاسخ‌گویی بیشتر، کیفیت نظارت بیشتر، حاکمیت بیشتر قانون، تأثیرگذاری بیشتر دولت و ثبات سیاسی بیشتر در جامعه شود. فرضیه فرعی چهارم: شاخص ابهام‌گریزی با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.

۱-۴-۵- افق دید کوتاه‌مدت / افق دید بلندمدت

با توجه به ویژگی‌های جوامعی که افق دید بلندمدت دارند، انتظار می‌رود امتیاز بالا در این شاخص بر شاخص‌های راهبردی نیز تأثیرگذار باشد و برنامه‌ریزی بلندمدت برای آینده در جوامع مختلف برای جلوگیری از فساد، حفظ حاکمیت قانون و تأثیرگذاری دولت، تأکید بر مسئولیت پاسخ‌گویی به همراه نظارت مستمر و جلوگیری از عدم ثبات سیاسی در جوامع همراه باشد (سزلویچ، ۲۰۱۴). فرضیه فرعی پنجم: شاخص افق دید بلندمدت با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.

۱-۴-۶- افراط‌گرایی / خویش‌نهادی

با توجه به تعریف این شاخص، جوامعی که افراط‌گرایی بالایی دارند، بیشتر به آزادی بیان، آزادی اجتماعی و رضایت مردم از زندگی اهمیت می‌دهند (هافستد و همکاران، ۲۰۱۰). از این رو، با توجه به ویژگی‌ها و تعریف این شاخص می‌توان این نظریه را مطرح کرد که امتیاز بالا در این بُعد، با توجه به تعریف شاخص مسئولیت‌پذیری، به‌طور مثبتی با آن در ارتباط باشد؛ همین موضوع می‌تواند ثبات سیاسی بهتری را در جامعه رقم زند و حاکمیت بیشتر قانون، کیفیت نظارتی بهتر و تأثیرگذاری بیشتر دولت در رفاه عمومی جامعه را به دنبال داشته باشد. فرضیه فرعی ششم: شاخص افراط‌گرایی با مجموع شاخص‌های راهبردی بانک جهانی رابطه معنادار و مثبتی دارد.



تصویر ۱. انتخاب روش پژوهش

۲- روش شناسی پژوهش

۱-۲- روش پژوهش

روش های پژوهش بر اساس «هدف» و «روش گردآوری اطلاعات» در تصویر شماره ۱ دسته بندی شده است. موضوع پژوهش حاضر به دلیل ماهیت آن و استفاده از نتایج مطالعات اسنادی از نوع کاربردی است (حافظ نیا، ۲۰۰۸). در دسته بندی برحسب «گردآوری اطلاعات» پژوهش حاضر از نوع «نیمه آزمایشی» با روش «رگرسیون» است.

۲-۲- منابع داده

در این پژوهش داده های چهار شاخص فرهنگ ملی شامل فاصله قدرت، فردگرایی، مردانه طبعی و ابهام گریزی از پژوهش های هافستد (۱۹۸۳؛ ۲۰۰۳)، داده های شاخص پنجم یعنی افق دید از پژوهش هافستد و بوند (۱۹۸۸) و در نهایت، داده های شاخص ششم یعنی افراط گرایی از پژوهش هافستد و همکاران (۲۰۱۰) برگرفته شده است. در مرحله اول، پژوهش گسترده در ۴۰ کشور بین سال های ۱۹۷۳-۱۹۶۷ انجام شد و سپس تحلیل ها را به بیش از ۱۰۰ هزار پرسش نامه در ۷۶ کشور بسط دادند. سپس بُعد پنجم (افق دید) و ششم (افراط گرایی) در دو پژوهش جداگانه با همکاری بوند و مینکوو^{۲۹} برای ۹۳ کشور شناسایی و به ابعاد پیشین اضافه شدند. در نهایت با استفاده از روش نمونه گیری غیر تصادفی، همه شاخص های فرهنگی مدنظر برای ۷۴ کشور از سایت رسمی هافستد (۲۰۱۷) جمع آوری و در پژوهش حاضر ارائه شده است.

29. Minkov

همچنین، شش شاخص راهبردی تحت پوشش بانک جهانی و در پژوهشی پراستناد که همچنان در حال به‌روزرسانی است، توسط **کوفمن و همکاران (۲۰۰۷؛ ۲۰۱۰)** ارائه شده است. این پژوهش بسیار وسیع بوده و برای ۲۱۲ کشور در سراسر جهان شش شاخص راهبردی را ارائه کرده است. در نهایت، با استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی همه شاخص‌های راهبردی مدنظر برای ۷۴ کشور از سایت رسمی بانک جهانی (۲۰۱۷) جمع‌آوری و در پژوهش حاضر ارائه شده است. همچنین با توجه به اینکه به پیروی از **سیزلویچ (۲۰۱۴)** مجموع شش شاخص راهبردی به‌عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شده است، با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس^{۳۰}، تجزیه و تحلیل عاملی ۳۱ و قابلیت اطمینان کرونباخ آلفا برای شش شاخص راهبردی بانک جهانی برآورد شدند. نتیجه این دو آزمون به ترتیب بیش از ۸۰٪ و ۹۷٪ بوده است؛ بنابراین، جمع امتیاز شش شاخص به‌عنوان یک متغیر وابسته و کلی در نظر گرفته شده است.

۲-۳- الگوی پژوهش

مدل رگرسیونی که در این پژوهش برآورد شده است، به شرح زیر است:

$$INS-COM_i = \alpha I1 + \lambda 11 PDI_i + \lambda 12 IDV_i + \lambda 13 MAS_i + \lambda 14 UAI_i + \lambda 15 LTO_i + \lambda 16 IND_i + \epsilon_i$$

که در آن:

INS-COM مجموع امتیازات شش شاخص راهبردی بانک جهانی، PDI شاخص فاصله قدرت، IDV شاخص فردگرایی، MAS شاخص مردانه‌طبعی، UAI شاخص ابهام‌گریزی، LTO شاخص افق دید بلندمدت و IND شاخص افراط‌گرایی است. برای محاسبه رگرسیون‌های چندخطی بالا از نرم‌افزار استاتا^{۳۱} استفاده شده است. در ادامه و در **جدول شماره ۱** امتیاز شش شاخص فرهنگی به‌عنوان متغیرهای توضیحی پژوهش در ۷۴ کشور مطالعه شده در محدوده، حداقل صفر و حداکثر ۱۰۰ ارائه شده است. در ادامه و در **جدول شماره ۲** امتیاز شش شاخص راهبردی و جمع آن‌ها به‌عنوان متغیرهای وابسته پژوهش در ۷۴ کشور مورد در محدوده حداقل ۲/۵- و حداکثر ۲/۵ برای هر شاخص ارائه شده است.

۳- یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی تدوین شده است و در نهایت، تجزیه و تحلیل‌های آماری برای پذیرش یا رد فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود.

۳-۱- آمار توصیفی

در گام اول، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود. **جدول شماره ۳** نشان‌دهنده خلاصه‌ای از آمار

30. Smart PLS

31. Confirmatory factor analysis

32. Stata software 13

جدول ۱. امتیاز متغیرهای توضیحی پژوهش در ۴۷ کشور مورد مطالعه

کشور	فاصله قدرت	فردگرایی	مردانه طبعی	ابهام‌گریزی	افق دید	افراط‌گرایی
اتریش	۱۱	۵۶	۷۹	۷۰	۶۰	۶۳
اردن	۷۰	۳۰	۴۵	۶۵	۱۶	۴۳
اروگوئه	۶۱	۳۶	۲۸	۹۹	۲۶	۵۳
اسپانیا	۵۷	۵۱	۴۲	۸۶	۴۸	۴۴
استرالیا	۳۶	۹۰	۶۱	۵۱	۲۱	۷۱
استونی	۴۰	۶۰	۳۰	۶۰	۸۲	۱۶
اوکراین	۹۹	۲۵	۲۷	۹۹	۵۵	۱۸
انگلستان	۳۵	۸۹	۶۶	۳۵	۵۱	۶۹
ایالات متحده	۴۰	۹۱	۶۲	۴۶	۲۶	۶۸
ایتالیا	۵۰	۷۶	۷۰	۷۵	۶۱	۳۰
ایرلند	۲۸	۷۰	۶۸	۳۵	۲۴	۶۵
ایسلند	۳۰	۶۰	۱۰	۵۰	۲۸	۶۷
آرژانتین	۴۹	۴۶	۵۶	۸۶	۲۰	۶۲
آلبانی	۹۰	۲۰	۸۰	۷۰	۶۱	۱۵
آلمان	۳۵	۶۷	۶۶	۶۵	۸۳	۴۰
آنگولا	۸۳	۱۸	۲۰	۶۰	۱۵	۸۳
برزیل	۶۹	۳۸	۴۹	۷۶	۴۴	۵۹
بلژیک	۶۵	۷۵	۵۴	۹۴	۸۲	۵۷
بلغارستان	۷۰	۳۰	۴۰	۸۵	۶۹	۱۶
بنگلادش	۸۰	۲۰	۵۵	۶۰	۴۷	۲۰
بورکینافاسو	۷۰	۱۵	۵۰	۵۵	۲۷	۱۸
پرتغال	۶۳	۲۷	۳۱	۹۹	۲۸	۳۳

کشور	فاصله قدرت	فردگرایی	مردانه‌طبعی	ابهام‌گریزی	افق دید	افراط‌گرایی
پرو	۶۴	۱۶	۴۲	۸۷	۲۵	۴۶
پورتوریکو	۶۸	۲۷	۵۶	۳۸	۱۹	۹۹
تانزانیا	۷۰	۲۵	۴۰	۵۰	۳۴	۳۸
تایلند	۶۴	۲۰	۳۴	۶۴	۳۲	۴۵
تایوان	۵۸	۱۷	۴۵	۶۹	۹۳	۳۹
ترکیه	۶۶	۳۷	۴۵	۸۵	۴۶	۳۹
ترینیداد و توباگو	۴۷	۱۶	۵۸	۵۵	۱۳	۸۰
ایران	۵۸	۴۱	۴۳	۵۹	۱۴	۴۰
جمهوری چک	۵۷	۵۸	۵۷	۷۴	۷۰	۲۹
جمهوری دومینیکن	۶۵	۳۰	۶۵	۴۵	۱۳	۵۴
جمهوری کره جنوبی	۶۰	۱۸	۳۹	۸۵	۱۰۰	۲۹
چین	۸۰	۲۰	۶۶	۳۰	۸۷	۲۴
دانمارک	۱۸	۷۴	۱۶	۲۳	۳۵	۷۰
رمانی	۹۰	۳۰	۴۲	۹۰	۵۲	۲۰
روسیه	۹۳	۳۹	۳۶	۹۵	۸۱	۲۰
زامبی	۶۰	۳۵	۴۰	۵۰	۳۰	۴۲
ژاپن	۵۴	۴۶	۹۵	۹۲	۸۸	۴۲
السالوادور	۶۶	۱۹	۴۰	۹۴	۲۰	۸۹
سوئد	۳۱	۷۱	۵	۲۹	۵۳	۷۸
سوئیس	۳۴	۶۸	۷۰	۵۸	۷۴	۶۶
شیلی	۶۳	۲۳	۲۸	۸۶	۳۱	۶۸
عراق	۹۵	۳۰	۷۰	۸۵	۲۵	۱۷
عربستان	۹۵	۲۵	۶۰	۸۰	۳۶	۵۲
غنا	۸۰	۱۵	۴۰	۶۵	۴	۷۳

کشور	فاصله قدرت	فردگرایی	مردانه‌طبعی	ابهام‌گزینی	افق دید	افراط‌گرایی
فرانسه	۶۸	۷۱	۴۳	۸۶	۶۳	۴۸
فنلاند	۳۳	۶۳	۲۶	۵۹	۳۸	۵۷
فیلیپین	۹۴	۳۲	۶۴	۴۴	۲۷	۴۲
کانادا	۳۹	۸۰	۵۲	۴۸	۳۶	۶۸
کرواسی	۷۳	۳۳	۴۰	۸۰	۵۸	۳۳
کلمبیا	۶۷	۱۳	۶۴	۸۰	۱۳	۸۳
لبنان	۷۵	۴۰	۶۵	۵۰	۱۴	۲۵
لتونی	۴۴	۷۰	۹	۶۳	۶۹	۱۳
لوکزامبورگ	۴۰	۶۰	۵۰	۷۰	۶۴	۵۶
لهستان	۶۸	۶۰	۶۴	۹۳	۲۸	۲۹
لیبی	۸۰	۳۸	۵۲	۶۸	۲۳	۳۴
لیتوانی	۴۲	۶۰	۱۹	۶۵	۸۲	۱۶
مالتا	۵۰	۵۹	۴۷	۹۶	۴۷	۶۶
مالزی	۱۰۰	۲۶	۵۰	۳۶	۴۱	۵۷
مجارستان	۴۶	۸۰	۸۸	۸۲	۵۸	۳۱
مصر	۷۰	۲۵	۴۵	۸۰	۷	۴
مکزیک	۸۱	۳۰	۶۹	۸۲	۲۴	۹۷
موراکو	۷۰	۴۶	۵۳	۶۸	۱۴	۲۵
موزامبیک	۸۵	۱۵	۳۸	۴۴	۱۱	۸۰
نروژ	۳۱	۶۹	۸	۵۰	۳۵	۵۵
نیجریه	۸۰	۳۰	۶۰	۵۵	۱۳	۸۴
نیوزلند	۲۲	۷۹	۵۸	۴۹	۳۳	۷۵
ونزوئلا	۸۱	۱۲	۷۳	۷۶	۱۶	۱۰۰
ویتنام	۷۰	۲۰	۴۰	۳۰	۵۷	۳۵

کشور	فاصله قدرت	فردگرایی	مردانه طبعی	ابهام‌گریزی	افق دید	افراط‌گرایی
هلند	۳۸	۸۰	۱۴	۵۳	۶۷	۶۸
هند	۷۷	۴۸	۵۶	۴۰	۵۱	۲۶
هنگ کنگ	۶۸	۲۵	۵۷	۲۹	۶۱	۱۷
یونان	۶۰	۳۵	۵۷	۱۰۰	۴۵	۵۰

توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش است. مجموع امتیاز شاخص‌های راهبردی در محدوده ۱۱/۱۸- تا ۱۱/۰۶ با میانگین ۲/۱۸۵ و میانه ۱/۸۷۰ است؛ میانگین همه متغیرهای بُعد فرهنگی، در محدوده ۶۰-۴۰ است و میانه آن‌ها نیز در محدوده ۳۵ تا ۶۵ است؛ این موارد و انحراف معیار داده‌ها نشان می‌دهند در متغیرهای فرهنگی داده‌های پرت وجود ندارد.

جدول ۲. امتیاز متغیرهای وابسته پژوهش در ۴۷ کشور مورد مطالعه

کشور	مسئولیت‌پذیری	ثبات سیاسی	تأثیرگذاری دولت	کیفیت نظارت	حاکمیت قانون	کنترل فساد	جمع
اتریش	۱/۲۹	-۰/۸۲	۱/۵۱	۱/۴۴	۱/۷۸	۱/۵۴	۸/۳۸
اردن	-۰/۷۶	-۰/۵۳	۰/۱۴	۰/۰۵	۰/۳۱	۰/۲۷	-۰/۵۲
لروگوئه	۱/۱۸	۱/۱۰	۰/۵۵	-۰/۴۹	۰/۶۳	۱/۳۲	۴/۲۹
اسپانیا	۱/۰۶	-۰/۴۹	۱/۱۲	۱/۰۱	۰/۹۸	-۰/۵۴	۵/۲۰
استرالیا	۱/۳۰	-۰/۹۶	۱/۵۸	۱/۹۰	۱/۷۸	۱/۷۷	۹/۲۹
استونی	۱/۲۰	-۰/۶۹	۱/۱۲	۱/۷۰	۱/۲۴	۱/۲۱	۷/۱۶
اوکراین	۰/۰۲	-۱/۸۹	-۰/۵۸	-۰/۴۳	-۰/۷۷	-۰/۸۴	-۴/۴۹
انگلستان	۱/۲۴	-۰/۳۸	۱/۶۱	۱/۷۶	۱/۶۳	۱/۸۸	۸/۵
ایالات متحده	۱/۱۰	-۰/۳۵	۱/۴۸	۱/۵۰	۱/۶۷	۱/۳۳	۷/۴۳
ایتالیا	۱/۰۴	-۰/۳۵	۰/۵۱	۰/۷۱	۰/۲۷	-۰/۰۵	۲/۹۳
ایرلند	۱/۲۹	-۰/۸۸	۱/۳۵	۱/۷۴	۱/۵۴	۱/۶۳	۸/۴۳
ایسلند	۱/۳۴	۱/۳۳	۱/۴۱	۱/۲۸	۱/۵۱	۱/۹۹	۸/۸۶

کشور	مسئولیت‌پذیری	ثبات سیاسی	تأثیرگذاری دولت	کیفیت نظارت	حاکمیت قانون	کنترل فساد	جمع
آرژانتین	۰/۵۴	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۴۷	۰/۳۵	۰/۳۱	۰/۱۹
آلبانی	۰/۱۶	۰/۲۶	۰/۰۰	۰/۱۹	۰/۳۵	۰/۴۰	۰/۱۴
آلمان	۱/۳۳	۰/۷۶	۱/۷۴	۱/۸۲	۱/۶۱	۱/۸۳	۹/۰۹
آنگولا	-۱/۱۷	-۰/۳۹	-۱/۰۴	-۱/۰۰	-۱/۰۸	-۱/۴۱	-۶/۰۹
برزیل	۰/۴۷	-۰/۴۵	-۰/۱۸	-۰/۲۱	-۰/۰۸	-۰/۴۴	-۰/۸۹
بلژیک	۱/۳۵	۰/۴۸	۱/۳۳	۱/۳۴	۱/۴۰	۱/۶۰	۷/۵
بلغارستان	۰/۴۴	۰/۰۳	۰/۲۹	۰/۶۶	-۰/۰۴	-۰/۱۶	۱/۲۲
بنگلادش	-۰/۵۶	-۱/۲۴	-۰/۶۹	-۰/۸۰	-۰/۵۹	-۰/۸۰	-۴/۶۸
بورکینافاسو	۰/۰۴	-۰/۹۵	-۰/۵۵	-۰/۴۰	-۰/۴۵	-۰/۱۳	-۲/۴۴
پرتغال	۱/۱۷	۱/۰۲	۱/۲۲	۰/۸۴	۱/۱۳	۰/۹۶	۶/۳۴
پرو	۰/۲۸	-۰/۱۶	-۰/۱۷	۰/۵۱	-۰/۴۹	-۰/۳۵	-۰/۳۸
پورتوریکو	۰/۴۰	۰/۸۱	۰/۳۸	۰/۹۵	۰/۶۸	۰/۰۴	۳/۲۶
تفزانیا	-۰/۱۸	-۰/۴۱	-۰/۵۵	-۰/۴۴	-۱/۳۹	-۰/۵۱	-۳/۴۸
تیلند	-۱/۱۰	-۰/۹۳	-۰/۳۴	۰/۱۷	۰/۰۱	-۰/۴۰	-۱/۹۱
تایوان	۱/۰۴	۰/۹۳	۱/۳۷	۱/۲۹	۱/۱۴	۰/۸۶	۶/۶۳
ترکیه	-۰/۶۳	-۲/۰۰	-۰/۰۵	۰/۲۰	-۰/۱۶	-۰/۲۰	-۲/۷۴
ترینیداد و توباگو	۰/۶۰	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۰۹	-۰/۱۶	-۰/۲۶	۰/۷۷
ایران	-۱/۳۹	-۰/۷۴	-۰/۲۰	-۱/۲۳	-۰/۷۱	-۰/۷۲	-۴/۹۹
جمهوری چک	۱/۰۵	۰/۹۹	۱/۰۶	۰/۹۹	۱/۰۹	۰/۵۱	۵/۶۹
جمهوری دومینیکن	۰/۱۹	۰/۲۹	-۰/۲۵	-۰/۰۷	-۰/۲۹	-۰/۷۸	-۰/۹۱
جمهوری کره جنوبی	۰/۶۳	۰/۱۷	۱/۰۷	۱/۱۱	۱/۱۴	۰/۳۷	۴/۴۹
چین	-۱/۶۲	-۰/۵۲	۰/۳۶	-۰/۲۶	-۰/۲۲	-۰/۲۵	-۲/۵۱

کشور	مسئولیت‌پذیری	ثبات سیاسی	تأثیرگذاری دولت	کیفیت نظارت	حاکمیت قانون	کنترل فساد	جمع
دانمارک	۱/۴۷	-۰/۸۵	۱/۸۶	۱/۵۸	۱/۹۰	۲/۲۴	۹/۹
رمانی	۰/۵۱	-۰/۲۷	--۰/۱۷	-۰/۵۹	-۰/۳۰	-۰/۰۰	۱/۵
روسیه	-۱/۲۱	-۰/۸۹	--۰/۲۲	-۰/۴۲	-۰/۷۰	-۰/۸۶	-۴/۳
زامبی	-۰/۳۰	-۰/۱۸	-۰/۶۶	-۰/۴۸	-۰/۳۰	-۰/۴۰	-۱/۹۶
ژاپن	۱/۰۰	۱/۰۱	۱/۸۳	۱/۴۳	۱/۳۸	۱/۵۱	۸/۱۶
السالوادور	۰/۲۸	-۰/۰۶	-۰/۲۸	۰/۰۹	-۰/۷۱	-۰/۵۷	-۱/۲۵
سوئد	۱/۵۰	-۰/۹۸	۱/۷۹	۱/۸۵	۲/۰۴	۲/۲۲	۱۰/۳۸
سوئیس	۱/۴۶	۱/۳۲	۲/۰۳	۱/۹۱	۱/۹۴	۲/۰۵	۱۰/۷۱
شیلی	۱/۰۰	-۰/۵۱	۱/۰۲	۱/۳۷	۱/۱۳	۱/۱۱	۶/۱۴
عراق	-۱/۰۱	-۲/۲۸	-۱/۲۶	-۱/۱۳	-۱/۷۰	-۱/۴۰	-۸/۷۸
عربستان	-۱/۷۸	-۰/۵۰	۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۴۷	۰/۳۳	-۱/۲۶
غنا	۰/۶۴	-۰/۱۶	-۰/۲۰	-۰/۲۳	۰/۰۰	-۰/۱۷	-۰/۱۲
فرانسه	۱/۰۸	-۰/۰۶	۱/۴۱	۱/۰۷	۱/۴۱	۱/۳۷	۶/۴
فنلاند	۱/۴۹	-۰/۹۶	۱/۸۵	۱/۸۲	۲/۰۲	۲/۲۸	۱۰/۴۲
فیلیپین	۰/۱۴	-۱/۳۰	-۰/۰۱	۰/۰۰	-۰/۴۰	-۰/۵۳	-۲/۱
کانادا	۱/۲۸	۱/۲۴	۱/۸۰	۱/۷۴	۱/۸۴	۱/۹۸	۹/۹۸
کرواسی	۰/۵۲	-۰/۶۸	۰/۴۹	۰/۳۶	۰/۴۴	-۰/۱۹	۲/۶۸
کلمبیا	۰/۱۰	-۰/۹۶	۰/۰۲	۰/۴۰	-۰/۳۳	-۰/۳۳	-۱/۱۱
لبنان	-۰/۵۲	-۱/۵۶	-۰/۵۳	-۰/۳۴	-۰/۸۶	-۰/۹۷	-۴/۷۸
لتونی	۰/۸۷	-۰/۳۹	۱/۰۰	۱/۰۸	۰/۹۵	۰/۴۹	۴/۷۸
لوکزامبورگ	۱/۴۴	۱/۴۱	۱/۶۹	۱/۷۲	۱/۷۱	۲/۰۸	۱۰/۰۵
لهستان	۰/۸۴	-۰/۵۱	۰/۶۹	۰/۹۵	۰/۶۸	-۰/۷۵	۴/۴۲

کشور	مسئولیت پذیری	ثبات سیاسی	تأثیر گذاری دولت	کیفیت نظارت	حاکمیت قانون	کنترل فساد	جمع
لیبی	-۱/۳۷	-۲/۲۱	-۱/۸۹	-۲/۲۷	-۱/۸۷	-۱/۵۷	-۱۱/۱۸
لیتوانی	۰/۹۹	۰/۸۰	۱/۰۹	۱/۱۴	۱/۰۲	۰/۶۷	۵/۷۱
ملتا	۱/۲۰	۱/۰۸	۰/۹۵	۱/۱۶	۱/۰۸	۰/۷۲	۶/۱۹
مالزی	-۰/۴۷	۰/۱۰	-۰/۸۸	۰/۷۱	۰/۵۴	۰/۱۱	۱/۷۸
مجارستان	۰/۳۷	۰/۷۱	۰/۴۵	۰/۶۰	۰/۵۱	۰/۰۸	۷۲
مصر	-۱/۲۳	-۱/۴۲	-۰/۶۶	-۰/۹۲	-۰/۴۱	-۰/۶۳	-۵/۲۷
مکزیک	-۰/۰۹	-۰/۷۷	-۰/۱۴	۰/۲۹	-۰/۵۰	-۰/۷۷	-۱/۷۰
موراکو	-۰/۶۵	-۰/۲۹	-۰/۱۰	-۰/۲۳	-۰/۱۴	-۰/۱۵	-۱/۵۶
موزامبیک	-۰/۳۹	-۱/۰۵	-۰/۸۵	-۰/۷۰	-۱/۰۲	-۰/۸۷	-۴/۸۸
نروژ	۱/۵۸	۱/۱۷	۱/۸۸	۱/۷۰	۲/۰۲	۲/۲۰	۱۰/۵۵
نیجریه	-۰/۳۰	-۱/۸۵	-۱/۰۹	-۰/۹۲	-۱/۰۵	-۱/۰۴	-۶/۲۵
نیوزلند	۱/۴۴	۱/۴۹	۱/۸۶	۲/۰۴	۱/۹۳	۲/۳۰	۱۱/۰۶
ونزوئلا	-۱/۱۳	-۱/۰۳	-۱/۲۹	-۲/۰۰	-۲/۱۸	-۱/۳۹	-۹/۰۲
ویتنام	-۱/۴۱	۰/۱۷	-۰/۰۱	-۰/۴۵	۰/۰۵	-۰/۴۰	-۲/۰۳
هلند	۱/۴۸	۰/۸۹	۱/۸۴	۱/۹۸	۱/۸۹	۱/۹۵	۱۰/۰۳
هند	۰/۴۱	-۰/۹۵	-۰/۱۰	-۰/۳۱	-۰/۰۷	-۰/۳۰	-۱/۱۲
هنگ کنگ	۰/۲۷	۰/۸۴	۱/۸۶	۲/۱۵	۱/۷۰	۱/۵۸	۸/۴
یونان	۰/۶۵	-۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۲۰	-۰/۰۵	۱/۰۲

۳-۱-۱- جمع شاخص های راهبردی

بر اساس جدول شماره ۴، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص، کمتر از میانگین است. کشورهای نروژ، سوئیس و نیوزلند بیشترین امتیاز در جمع شاخص های راهبردی بانک جهانی را دارند. این بدان معنی است که این کشورها ثبات سیاسی اجتماعی دارند و این موضوع موجب توسعه اقتصادی آنها شده است. در

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
جمع شاخص های راهبردی	۲/۱۸	۱/۸۷	۵/۶۴۸	-۱۱/۱۸	۱۱/۰۶
فاصله قدرت	۶۱/۰۶۸	۶۵	۲۰/۶۰۲	۱۱	۱۰۰
فردگرایی	۴۳/۰۹۵	۳۷	۲۲/۶۴۷	۱۲	۹۱
مردانه طبعی	۴۸/۵۴۱	۵۰	۱۸/۶۹۸	۵	۹۵
ابهام گرایی	۶۶/۰۱۴	۶۵	۲۰/۵۰۴	۲۳	۱۰۰
افق دید بلندمدت	۴۲/۶۲۲	۳۸	۲۴/۰۲۹	۴	۱۰۰
افراط گرایی	۴۸/۶۷۶	۴۹	۲۳/۵۶۷	۴	۱۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

جدول ۴. آمار توصیفی شاخص های پژوهش براساس کشورها

متغیرها	ایران	حداقل براساس کشور			حداکثر براساس کشور	
		عراق	ونزوئلا	لیبی	نروژ	سوئیس
جمع شاخص های راهبردی	-۴/۹۹	-۸/۷۸	-۹/۰۲	-۱۱/۱۸	۱۰/۷۱	۱۱/۰۶
فاصله قدرت	۵۸	۱۱	۱۸	۲۲	۹۹	۱۰۰
فردگرایی	۴۱	۱۲	۱۳	۱۵	۹۰	۹۱
مردانه طبعی	۴۳	۵	۸	۹	۸۸	۹۵
ابهام گرایی	۵۹	۲۳	۲۹	۲۹	۹۹	۱۰۰
افق دید بلندمدت	۱۴	۴	۷	۱۱	۹۳	۱۰۰
افراط گرایی	۴۰	۴	۱۳	۱۵	۹۷	۱۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

طرف مقابل کشورهای لیبی، ونزوئلا و عراق کمترین امتیاز را در این شاخص داشتند..

۳-۱-۲- فاصله قدرت

بر اساس جدول شماره ۴، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص نشان دهنده تمایل به فاصله قدرت نسبتاً زیاد است. این کشورها مشخصاً در دو طرف این رتبه بندی قرار دارند: اتریش، دانمارک و نیوزلند دارای کمترین فاصله قدرت بوده، در حالی که عربستان، اوکراین و مالزی بیشترین فاصله قدرت را به خود اختصاص دادند؛ کشورهای با فاصله قدرت کم، نابرابری در قدرت را نمی‌پسندند و زیردستان، وابستگی کمتری به مدیران خود دارند، اما در فرهنگ‌هایی که شاخص فاصله قدرت آن‌ها بالاست، قدرت یک عامل اجتماعی اساسی است که در آن به اجبار رهبری تجویز شده سازمان‌ها به مردم القا شده است؛ انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهایی که امتیاز کمتری در شاخص فاصله قدرت دارند، بالاتر باشد.

۳-۱-۳- فردگرایی

بر اساس جدول شماره ۴، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص، نشان دهنده تمایل نسبی این کشور به جمع‌گرایی است. این کشورها مشخصاً در دو طرف این رتبه بندی قرار دارند: بیشترین امتیاز فردگرایی متعلق به آمریکا، استرالیا و انگلیس است؛ در سمت دیگر که تأکید بر جمع‌گرایی است، ونزوئلا، کلمبیا و بورکینافاسو کمترین امتیاز را دارند. کشورهایی که فردگرایی در آن‌ها بالاست، یافته‌ها و تلاش‌های شخصی را بر نتایج و اقدامات گروهی ترجیح می‌دهند؛ انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهایی که امتیاز فردگرایی آن‌ها بیشتر است، بالاتر باشد.

۳-۱-۴- مردانه‌طبعی

بر اساس جدول شماره ۴، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص نشان دهنده تمایل نسبی به زنانه‌طبعی در این کشور است. در این شاخص، بیشترین امتیاز را کشورهای ژاپن، مجارستان و آلبانی دارند؛ در مقابل، سوئد، نروژ و لتونی کمترین امتیاز را در این بُعد دارند. در واقع، در کشورهای اسکاندیناوی که پرخاشگری، کمتر رواج دارد و صبر و تحمل بیشتر است، میثاق‌های اجتماعی بیشتر پیشنهاد می‌شود، اما در کشورهای با مردانه‌طبعی بالا، نتیجه نهایی و موفقیت در جامعه مدنظر است. در کل انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهایی که امتیاز مردانه‌طبعی آن‌ها بیشتر است، بالاتر باشد.

۳-۱-۵- ابهام‌گریزی

بر اساس جدول شماره ۴، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص نشان دهنده تمایل به ابهام‌گریزی نسبتاً زیاد است. پرتغال، اروگوئه و یونان بیشترین ابهام‌گریزی را داشتند؛ در مقابل، دانمارک، سوئد و هنگ‌کنگ ابهام‌گریزی کمی دارند. بنابراین، بار دیگر کشورهای اسکاندیناوی با اتخاذ قوانین و مقررات کمتر برای موقعیت‌های ابهام‌برانگیز، بردباری بیشتری از خود نشان دادند. انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های

راهبردی در کشورهایی که ابهام‌گریزی آن‌ها بیشتر است، بالاتر باشد.

۳-۱-۶- افق دید بلندمدت

بر اساس جدول شماره ۴، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در شاخص افق دید نشان‌دهنده تمایل به افق دید کوتاه‌مدت است. کشورهای زیر مشخصاً در دو طرف این طیف قرار دارند: غنا، مصر و موزامبیک افق دید کوتاه مدت دارند؛ در مقابل، ژاپن، تایوان و کره جنوبی دارای افق دید بلندمدت هستند. در کل انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهایی که افق دید بلندمدت دارند، بالاتر باشد.

۳-۱-۷- افراط‌گرایی

بر اساس جدول شماره ۴، امتیاز جمهوری اسلامی ایران در این شاخص نشان‌دهنده تمایل نسبی این کشور به خویشتن‌داری است. این کشورها مشخصاً در دو طرف این رتبه‌بندی قرار دارند: بیشترین امتیاز افراط‌گرایی متعلق به مکزیک، پورتوریکو و ونزوئلا است؛ در سمت دیگر کمترین امتیاز افراط‌گرایی متعلق به مصر، لتونی و آلبانی است؛ در کل، انتظار می‌رود جمع امتیازهای شاخص‌های راهبردی در کشورهای افراط‌گرا، بالاتر باشد.

۳-۲- آمار استنباطی

در این بخش ابتدا تناسب مدل بررسی شده و آزمون‌های پیش‌فرض رگرسیون ارائه می‌شود. سپس فرضیه اصلی پژوهش آزمون شده و تجزیه و تحلیل آن ارائه می‌شود.

۳-۲-۱- تناسب مدل

نتایج آماری تناسب مدل در جدول شماره ۵ ارائه شده است. خودهمبستگی باقیمانده‌ها با استفاده از آزمون دوربین و واتسون^{۳۳} سنجش شده و مقدار آن ۲/۰۹۱ است؛ در صورتی که مقدار این آماره کمتر از ۱ یا بیشتر از ۳ باشد، زنگ هشدار برای وجود خودهمبستگی مثبت یا منفی بین باقیمانده است (دوربین و واتسون، ۱۹۷۱). نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون جارکویرا^{۳۴} سنجش شده و مقدار آن ۰/۵۰٪ است؛ در صورتی که سطح معنی‌داری این آماره بیشتر از ۵ درصد سطح خطای قابل قبول باشد، جملات خطا نرمال هستند (جارکو و برا، ۱۹۸۰). آزمون هم‌خطی متغیرهای توضیحی با استفاده از عامل تورم واریانس^{۳۵} سنجش شده و میانگین آن برای همه متغیرهای توضیحی ۱/۶۱ است؛ اگر عامل تورم واریانس برای همه متغیرهای توضیحی، کوچک‌تر از ۲/۵ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی میان متغیرهای توضیحی است (دیویدسون و مک کینون، ۲۰۰۴).

یکی از روش‌های بررسی تناسب مدل تقسیم کای اسکوئر بر درجه آزادی^{۳۶} است که در مدل پژوهش مقدار آن

33. Durbin-Watson

34. Jarque-Bera

35. Variance Inflation Factor (VIF)

36. Degree of Freedom

جدول ۵. تناسب مدل پژوهش

آزمون عامل تورم واریانس		خلاصه کلی از تناسب مدل		
مقدار	متغیر	میزان مطلوب	نتایج	آزمون‌های آماری
۲/۴۵	فاصله قدرت	بین ۱ و ۳	۲/۰۹۱	آزمون دوربین واتسون
۲/۲۱	فردگرایی	بیشتر از ۵ درصد	۰/۵۰۰	آزمون جارکوبرا
۱/۰۵	مردانه‌طبعی	کمتر از ۳	۱/۳۹	کای اسکوار
۱/۱۲	ابهام‌گریزی	کمتر از ۵ درصد	۰/۰۰۰	احتمال آماره F
۱/۴۱	افق دید بلندمدت	نزدیک به یک	۰/۷۰۵	ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۴۲	افراط‌گرایی	کمتر از ۲/۵	۱/۶۱	میانگین عامل تورم واریانس

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۱/۳۹ شده است؛ اگر مقدار این آزمون کمتر از ۳ باشد، نشان‌دهنده تناسب مدل است (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۷). احتمال آماره F نیز کمتر از ۵ درصد است و نشان می‌دهد مدل به‌طور کلی معنادار است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده مدل نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی به‌طور کلی بیش از ۷۰ درصد متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

۳-۲-۲- فرضیه اصلی پژوهش

جدول شماره ۶ نشان‌دهنده همبستگی چندخطی میان متغیرهای توضیحی فاصله قدرت، فردگرایی، مردانه‌طبعی، ابهام‌گریزی، افق دید بلندمدت و افراط‌گرایی با متغیر وابسته پژوهش یعنی جمع امتیاز شاخص‌های راهبردی است. با توجه به **جدول شماره ۶**، همبستگی معنادار و منفی میان شاخص فاصله قدرت با شاخص‌های راهبردی و همبستگی معنادار و مثبت میان شاخص فردگرایی، افق دید بلندمدت و افراط‌گرایی وجود دارد. این نتایج فرضیه اصلی پژوهش را تأیید و از فرضیه‌های فرعی اول، دوم، پنجم و ششم پشتیبانی می‌کنند.

۳-۲-۳- آزمون‌های اضافی

در این بخش، با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس نیز دو آزمون اضافی برای اطمینان بیشتر نسبت به تجزیه و تحلیل‌ها و نتایج پژوهش حاضر ارائه شده است.

ابتدا، با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس، برای اطمینان نسبت به نتایج آزمون همبستگی در نرم‌افزار استتا، رابطه میان همه ابعاد فرهنگ ملی به‌عنوان متغیر مستقل با جمع ترکیبی شاخص‌های راهبردی بانک جهانی به عنوان متغیر وابسته سنجش شده است. همان‌طور که در **تصویر شماره ۲** مشاهده می‌کنید، در این آزمون اضافی نیز شاخص‌های فاصله قدرت، فردگرایی، افق دید و افراط‌گرایی رابطه معنی‌داری با جمع

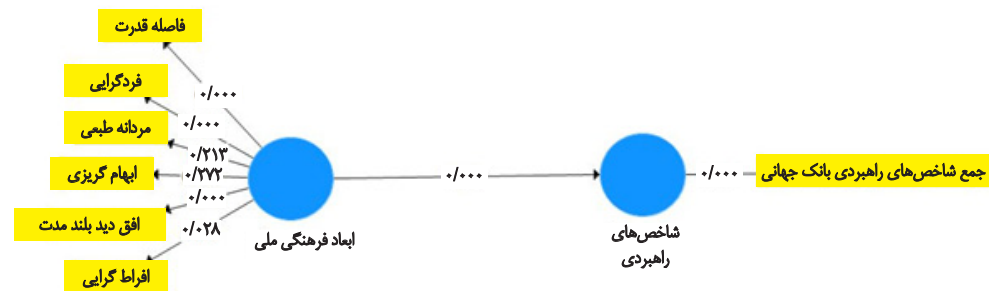
جدول ۶. رابطه میان ابعاد فرهنگ ملی با جمع شاخص‌های راهبردی

متغیر وابسته: جمع امتیاز شاخص‌های راهبردی			
نتیجه آزمون	نوع ارتباط	احتمال متغیر توضیحی	ضریب متغیر توضیحی
پذیرش فرضیه	منفی	۰/۰۰۰	-۰/۱۳۵۳
پذیرش فرضیه	مثبت	۰/۰۱۸	۰/۰۵۷۴
رد فرضیه	بی‌معنی	۰/۲۲۲	-۰/۰۲۳۳
رد فرضیه	بی‌معنی	۰/۹۳۳	۰/۰۰۱۵
پذیرش فرضیه	مثبت	۰/۰۰۰	۰/۰۸۳۰
پذیرش فرضیه	مثبت	۰/۰۲۱	۰/۰۴۳۰

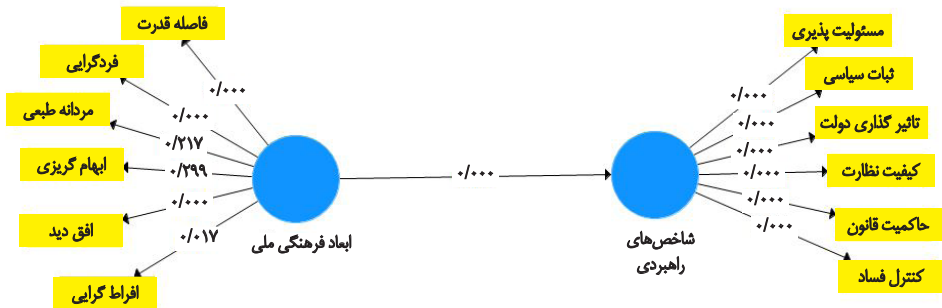
منبع: یافته‌های پژوهشگر

شاخص‌های راهبردی بانک جهانی دارند که بر پذیرش فرضیه اول، دوم، پنجم و ششم پژوهش تأکید می‌کند. در گام دوم با استفاده از نرم افزار اسمارت پی‌ال‌اس، برای اطمینان بیشتر نسبت به نتایج آزمون‌های تجزیه و تحلیل عاملی و کرونباخ آلفا که به استفاده از جمع افقی (ترکیبی) شش شاخص راهبردی بانک جهانی به‌عنوان یک شاخص وابسته منجر شده است. در مدل دیگری رابطه میان شش شاخص فرهنگ ملی به‌عنوان متغیرهای مستقل با شش شاخص راهبردی بانک جهانی به‌عنوان متغیرهای وابسته به تفکیک سنجش شده است.

همان‌طور که در تصویر شماره ۳ مشاهده می‌کنید، در این آزمون اضافی نیز شاخص‌های فاصله قدرت، فردگرایی، افق دید بلندمدت و افراط‌گرایی رابطه معنی‌داری با هر شش شاخص راهبردی بانک جهانی دارند که بر پذیرش فرضیه اول، دوم، پنجم و ششم پژوهش تأکید می‌کند. همچنین، با توجه به نتایج آزمون‌های تجزیه و تحلیل



تصویر ۴. آزمون مجدد مدل اصلی پژوهش با استفاده از نرم افزار اسمارت پی‌ال‌اس



تصویر ۳. آزمون مدل اصلی پژوهش با تفکیک شش شاخص راهبردی در نرم افزار اسمارت پی‌ال‌اس

عاملی و کرونیخ آلفا و اینکه همه شاخص‌های راهبردی معنی‌دار شده است. بنابراین، استفاده از جمع افقی (ترکیبی) برای شاخص‌های راهبردی بانک جهانی قابل توجیه است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

رابطه میان فرهنگ ملی با تغییرات شاخص‌های راهبردی از این ایده پشتیبانی می‌کند که هنجارهای حاکمیتی که از هنجارهای اجتماعی تأثیر می‌گیرند، با بنیان‌های فرهنگی در ارتباط هستند. اگرچه راهبری مطلوب کاملاً از شاخص‌های فرهنگی تأثیر نمی‌پذیرد و عوامل دیگری نظیر پیشینه تاریخی کشور و وضعیت اقتصادی نیز بر آن مؤثر هستند، در مجموع، می‌توان تأثیر فرهنگ را فرای سایر عوامل دانست.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه خطی معنادار میان شاخص‌های فرهنگی با مجموع شاخص‌های راهبردی است. به‌طور کلی نتیجه فرضیه اصلی پژوهش با مطالعات لیکت و همکاران (۲۰۰۷)، دنیل و همکاران (۲۰۱۲)، سیزلویچ (۲۰۱۴)، آلنسیا و جولیانو (۲۰۱۵) مطابقت دارد. همان‌طور که انتظار می‌رفت در جوامعی که فاصله قدرت کمتر است، جمع شاخص‌های راهبردی بیشتر بوده و شرایط توسعه اجتماعی اقتصادی بهتر فراهم بوده است؛ مانند کشور نیوزلند. نتیجه فرضیه فرعی اول پژوهش با مطالعه سیزلویچ (۲۰۱۴) مطابقت دارد. همچنین در جوامعی که فردگرایی بیشتر است، زیرساخت‌ها برای پیشرفت‌های اقتصادی بیشتر و بهتر فراهم شده است و در نتیجه، جمع شاخص‌های راهبردی آن‌ها نیز بیشتر است؛ مانند استرالیا. نتیجه فرضیه فرعی دوم پژوهش با مطالعه آلنسیا و جولیانو (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

در جوامعی که افق دید بلندمدت بیشتر است نیز جمع شاخص‌های راهبردی بالاتر است و این کشورها برای آینده بلندمدت خود چشم‌اندازهای روشنی را پیش‌بینی کرده‌اند؛ مانند ژاپن. در جوامعی که افراط‌گرایی نسبتاً بالا دارند نیز کیفیت زندگی و آزادی به‌طور مطلوب فراهم آمده و موجب شده است شاخص‌های راهبردی بالایی داشته باشند؛ مانند دانمارک. برای فرضیه فرعی پنجم و ششم هیچ پژوهشی برای تطبیق یافت نشد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ ملی بر شاخص‌های راهبردی تأثیر دارد. به‌طور ویژه، کشورهایی که فاصله قدرت کمتر، فردگرایی، افق دید بلندمدت و افراط‌گرایی بیشتر دارند، تمایل به اتخاذ شیوه‌هایی از حکمرانی دارند که در آن، به مسئولیت پاسخ‌گویی بیشتر بها می‌دهند، کشورها در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی مقتدرانه عمل می‌کنند، دولت‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام، تأثیرگذار عمل می‌کنند، به نهادهای نظارتی همچون قوه مقننه بیشتر توجه می‌شود، قانون و عدالت برای همه یکسان است و فساد تا حد قابل قبولی کنترل شده است.

در مجموع، پژوهش‌هایی که درباره شاخص‌های راهبردی و حکمرانی انجام می‌شود، تفسیرکننده نگرانی‌ها برای پیشرفت در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ بنابراین، پژوهش حاضر نیز ضمن اثبات تأثیرگذاری فرهنگ بر شاخص‌های راهبردی، توسعه در عرصه‌های مذکور را دنبال کرده و امید است استفاده از نتایج این پژوهش کاربردی برای دستیابی به اهداف مذکور مفید باشد.

با توجه به اینکه شاخص‌های راهبردی از ابعاد مهم توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند و با در نظر داشتن اثبات تأثیر شاخص‌های فرهنگی بر شاخص‌های راهبردی مدنظر پژوهش، به نهادهای مرتبط، یعنی قوه مجریه و قوه مقننه پیشنهاد می‌شود نقش فرهنگ در سلسله‌مراتب ساختاری نظام، سیستم‌های قانونی و سازوکار توسعه اقتصادی را دوباره احیا کنند. به نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی همچون شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز پیشنهاد می‌شود به‌منظور تنظیم قوانین مؤثر حاکمیتی و نظارت مطلوب بر اجرای آن‌ها نقش اثبات‌شده فرهنگ ملی کشور را به‌عنوان عامل محیطی مهم در نظر بگیرند.

برای پژوهش‌های آتی این موضوعات پیشنهاد می‌شود: ۱. انجام پژوهش در زمینه اینکه آیا شاخص‌های راهبردی کوفمن با بودجه‌بندی عمومی در ارتباط است یا خیر، ۲. پژوهشی مقایسه‌ای در زمینه بررسی تأثیر شاخص‌های فرهنگ ملی (هافستد و همکاران در مقابل هوس و همکاران) بر شاخص‌های راهبردی کوفمن.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان مقاله به این شرح است: مفهوم‌سازی، اعتبارسنجی، منابع و نظارت: محسن دهمرده قلعه نو و روش‌شناسی، تحلیل، تحقیق و بررسی، نگارش پیش‌نویس و نهایی‌سازی: حمید زارعی.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Ahmadian, E., & Eslami, R. (2014). [Exploring attitudes toward relationship between government and nation in Iran: A Q-methodology study (Persian)]. *Quarterly Journal of Macro and Strategic Policies*, 1(4), 107-133.
- Alesina, A., & Giuliano, P. (2015). [Culture and institutions (Persian)]. *Journal of Economic Literature*, 53(4), 898-944. [DOI:10.1257/jel.53.4.898]
- Amable, B. (2003). [*The diversity of modern capitalism* (Persian)]. Oxford: Oxford University Press. [DOI:10.1093/019926113X.001.0001]
- Aoki, M. (2001). *Toward a comparative institutional analysis*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Boyd, R., & Richerson, P. J. (1982). Cultural transmission and the evolution of cooperative behavior. *Human Ecology*, 10(3), 325-51. [DOI:10.1007/BF01531189]
- Cieslewicz, J. K. (2014). Relationships between national economic culture, institutions, and accounting: Implications for IFRS. *Critical Perspectives on Accounting*, 25(6), 511-28. [DOI:10.1016/j.cpa.2013.03.006]
- Daniel, S. J., Cieslewicz, J. K., & Pourjalali, H. (2012). The impact of national economic culture and country-level institutional environment on corporate governance practices. *Management International Review*, 52(3), 365-94. [DOI:10.1007/s11575-011-0108-x]
- Davidson, R., & MacKinnon, J. G. (2004). *Econometric theory and methods*. New York: Oxford University Press.
- Durbin, J., & Watson, G. S. (1971). Testing for serial correlation in least squares regression. III. *Biometrika*, 58(1), 1-19. [DOI:10.1093/biomet/58.1.1]
- Gorodnichenko, Y., & Roland, G. (2015). *Culture, institutions and democratization*. Cambridge: National Bureau of Economic Research. [DOI:10.3386/w21117]
- Gorodnichenko, Y., & Roland, G. (2017). Culture, institutions, and the wealth of nations. *Review of Economics and Statistics*, 99(3), 402-416. [DOI:10.1162/REST_a_00599]
- Gray, S. J. (1988). Towards a theory of cultural influence on the development of accounting systems internationally. *Abacus*, 24(1), 1-15. [DOI:10.1111/j.1467-6281.1988.tb00200.x]
- Greif, A. (1994). Cultural beliefs and the organization of society: A historical and theoretical reflection on collectivist and individualist societies. *Journal of political economy*, 102(5), 912-50. [DOI:10.1086/261959]
- Guillén, M. F. (2001). *The limits of convergence: Globalization and organizational change in Argentina, South Korea, and Spain*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Hafeznia, M. R. (2008). [*An introduction to the research method in humanities* (Persian)]. Tehran: SAMT.
- Heine, S. J. (2008). *Cultural psychology*. New York: W. W. Norton and Company.
- Hofstede, G., Hofstede, G. J., & Minkov M. (2010). *Cultures and organizations: Software of the mind: Intercultural cooperation and its importance for survival*. New York: McGraw Hill.
- Hofstede, G. (1983). National cultures in four dimensions: A research-based theory of cultural differences among nations. *International Studies of Management & Organization*, 13(1-2), 46-74. [DOI:10.1080/00208825.1983.11656358]
- Hofstede, G. (1984). *Culture's consequences: International differences in work-related values*. Thousand Oaks, California: Sage.

- Hofstede, G. (2003). *Culture's consequences: Comparing values, behaviors, institutions and organizations across nations*. Thousand Oaks, California: Sage.
- Hofstede, G. (2011). Dimensionalizing cultures: The Hofstede model in context. *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1), 8-21. [DOI:10.9707/2307-0919.1014]
- Hofstede, G., & Bond, M. H. (1988). The Confucius connection: From cultural roots to economic growth. *Organizational Dynamics*, 16(4), 5-21. [DOI:10.1016/0090-2616(88)90009-5]
- House, R. J., Hanges, P. J., Javidan, M., Dorfman, P. W., & Gupta, V. (2004). *Culture, leadership, and organizations: The GLOBE study of 62 societies*. Thousand Oaks, California: Sage.
- Jarque, C. M., & Bera, A. K. (1980). Efficient tests for normality, homoscedasticity and serial independence of regression residuals. *Economics letters*, 6(3), 255-9. [DOI:10.1016/0165-1765(80)90024-5]
- Kaufmann, D. (2007). *Governance matters VI: Aggregate and individual governance indicators, 1996-2006*. Washington: World Bank.
- Kaufmann, D. K., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The worldwide governance indicators: A summary of methodology, data and analytical issues*. Washington: World Bank.
- Licht, A. N., Goldschmidt, C., & Schwartz, S. H. (2007). Culture rules: The foundations of the rule of law and other norms of governance. *Journal of Comparative Economics*, 35(4), 659-88. [DOI:10.1016/j.jce.2007.09.001]
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Review*, 98(2), 224-53. [DOI:10.1037/0033-295X.98.2.224]
- Maurice, M., & Sorge, A. (2000). *Embedding Organizations: Societal analysis of actors, organizations and socio-economic context*. Amsterdam: John Benjamins Publishing. [DOI:10.1075/aios.4]
- Nisbett, R. (2004). *The geography of thought: How Asians and Westerners think... differently and why*. New York: Detroit Free Press.
- North, D. (1990). *Institutions, institutional changes and economic performance*. Cambridge: Cambridge University Press. [DOI:10.1017/CBO9780511808678]
- North, D. C. (1991). *Institutions*. *Journal of economic perspectives*, 5(1), 97-112. [DOI:10.1257/jep.5.1.97]
- Perera, H., Cummings, L., & Chua, F. (2012). Cultural relativity of accounting professionalism: Evidence from New Zealand and Samoa. *Advances in Accounting*, 28(1), 138-146. [DOI:10.1016/j.adiac.2012.03.006]
- Peterson, M. F., & Wood, R. E. (2008). Cognitive structures and processes in cross-cultural management. In D. C. Thomas & M. F. Peterson (Eds.), *Handbook of Cross-Cultural Management Research* (pp. 15-33). Thousand Oaks, California: Sage. [DOI:10.4135/9781412982764.n2]
- Pifeh, A., Zarei H., Jaafari Jam, H. (2017). [Do Hofstede's national culture impact on public sector budgeting practices? (Persian)]. *Journal Management System*, 3(1):21-36.
- Schmitt, D. P., Allik, J., McCrae, R. R., & Benet Martínez, V. (2007). The geographic distribution of big Five personality traits: Patterns and profiles of human self-description across 56 nations. *Journal of Cross-Cultural psychology*, 38(2), 173-212. [DOI:10.1177/0022022106297299]
- Stulz, R. M., & Williamson, R. (2003). Culture, openness, and finance. *Journal of Financial Economics*, 70(3), 313-49. [DOI:10.1016/S0304-405X(03)00173-9]

- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics*. London: Pearson Education. [PMCID]
- Tabellini, G. (2010). Culture and institutions: Economic development in the regions of Europe. *Journal of the European Economic Association*, 8(4), 677-716. [DOI:10.1111/j.1542-4774.2010.tb00537.x]
- Tubadji, A. (2013). Culture-based development-culture and institutions: Economic development in the regions of Europe. *International Journal of Society Systems Science*, 5(4), 355-91. [DOI:10.1504/IJSS.2013.058466]
- Whitley, R. (1992). *European business systems: Firms and markets in their national contexts*. Thousand Oaks, California: Sage. [PMCID]
- Williamson, O. E. (1993). Calculativeness, trust, and economic organization. *The Journal of Law and Economics*, 36(1), 453-86. [DOI:10.1086/467284]